

Akhlaq-i zisti

i.e., Bioethics Journal

2023; 13(38): e31

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Explaining the Structural Equation Model of Family Stability Based on Social Cognition and Love with the Mediation of Communication Skills in Tehran

Simin Shamsollahi^{1*} , Mohsen Jadidi¹

1. Department of Psychology, Shahr-e Quds Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The family, as the most stable social unit, is the main source of individual growth and a fundamental axis for the healthy functioning of individuals and society. Due to the importance of the family, many studies have been conducted in relation to it, most of which, of course, have focused on variables that are the cause of family disintegration. So in the situation of severe lack of research related to family stability, this article raised the question of whether it is possible to predict family stability based on social cognition and love with the mediation of communication skills.

Methods: The present study was a correlational survey (structural equation model explanation). The statistical population of the study included the citizens of Tehran, 400 of who were selected by multi-stage cluster random sampling. The data collection tool included a researcher-made questionnaire of family stability, social cognition and communication skills and Sternberg's Love Questionnaire. SPSS 26 and AMOS 23 software were used for data analysis.

Ethical Considerations: In compiling this article, ethical aspects including maintaining the authenticity of the texts, honesty and trustworthiness and informed consent have been observed. Also, all the questionnaires have been completed without the names and personal information of the individuals.

Results: Correlation findings showed that social cognition, communication skills and love have a positive and significant correlation with family stability. Also, social cognition and love have a positive and significant correlation with communication skills. The model data also showed that the CFI and NFI indexes in the model are equal to 0.999 and 0.995 respectively, which indicate the acceptable fit of the model. RMSEA value is equal to 0.077 and a value less than 0.08 which means a good fit. GFI is also equal to 0.996, which indicates a good fit. As a result, it can be concluded from all the indicators that the research model has a good fit.

Conclusion: By increasing each of the variables of social cognition, love and communication skills, family stability increases.

Keywords: Family Stability; Social Cognition; Love; Communication Skills; Improving the Quality of Life

Corresponding Author: Simin Shamsollahi; **Email:** simin_shamsollahi@yahoo.com

Received: January 27, 2023; **Accepted:** April 29, 2023; **Published Online:** March 18, 2024

Please cite this article as:

Shamsollahi S, Jadidi M. Explaining the Structural Equation Model of Family Stability Based on Social Cognition and Love with the Mediation of Communication Skills in Tehran. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2023; 13(38): e31.



تبیین مدل معادلات ساختاری پایداری خانواده بر اساس شناخت اجتماعی و عشق با

میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی در شهر تهران

سیمین شمس‌الهی^{۱*}، محسن جدیدی^۱

۱. گروه روان‌شناسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: خانواده به عنوان پایدارترین واحد اجتماعی، منبع اصلی رشد فردی و محوری اساسی برای عملکرد سالم افراد و جامعه می‌باشد. با توجه به اهمیت خانواده مطالعات بسیاری در ارتباط با آن انجام شده است که البته بیشتر آن‌ها بر متغیرهایی تمرکز کرده‌اند که مایه ازهم‌پاشیدن خانواده هستند. این مقاله در وضعیت فقدان شدید پژوهش‌های مرتبط با پایداری خانواده به طرح این پرسش پرداخت که آیا می‌توان بر اساس شناخت اجتماعی و عشق با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی، پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود؟

روش: پژوهش حاضر، پیمایشی از نوع همبستگی (تبیین مدل معادلات ساختاری) بود. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان شهر تهران بود که ۴۰۰ نفر از آن‌ها به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه محقق‌ساخته پایداری خانواده، شناخت اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی و پرسشنامه عشق Sternberg بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS 26 و AMOS 23 استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین این مقاله جنبه‌های اخلاقی شامل حفظ اصالت متون، صداقت و امانتداری و رضایت و اطلاع‌رسانی، رعایت شده است. همچنین کلیه پرسشنامه‌ها بدون نام و اطلاعات شخصی افراد تکمیل گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌های همبستگی نشان داد که به ترتیب شناخت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و عشق همبستگی مثبت و معنی‌داری با پایداری خانواده دارند. همچنین شناخت اجتماعی و عشق همبستگی مثبت و معنی‌داری با مهارت‌های ارتباطی دارند. داده‌های مدل نیز نشان داد که شاخص‌های CFI و NFI به ترتیب در مدل برابر ۰/۹۹۹ و ۰/۹۹۵ هستند که نشان‌دهنده برازش قابل قبول مدل می‌باشند. مقدار RMSEA برابر است با ۰/۰۷۷ و مقدار کمتر از ۰/۰۸ که به معنای برازش خوب است. GFI نیز برابر ۰/۹۹۶ می‌باشد که نشانگر برازش مطلوب است، در نتیجه از تمامی شاخص‌ها اینطور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد.

نتیجه‌گیری: با افزایش هر یک از متغیرهای شناخت اجتماعی، عشق و مهارت‌های ارتباطی، پایداری خانواده افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: پایداری خانواده؛ شناخت اجتماعی؛ عشق؛ مهارت‌های ارتباطی؛ اصلاح کیفیت زندگی

نویسنده مسئول: سیمین شمس‌الهی؛ پست الکترونیک: simin_shamsollahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Shamsollahi S, Jadidi M. Explaining the Structural Equation Model of Family Stability Based on Social Cognition and Love with the Mediation of Communication Skills in Tehran. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2023; 13(38): e31.

مقدمه

خانواده در لغت به معنای خانه و اهل آن است و هر یک از اعضا و عناصر آن دارای نقش‌ها و تکالیف متفاوتی می‌باشند که ساختار و کارکرد خانواده را متأثر می‌سازند. خانواده‌ها منبع اصلی رشد فردی و شرایط اولیه‌ای هستند که در آن شکل‌گیری اعتقادات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی که برای جامعه مناسب هستند، شکل می‌گیرد (۱). خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است. مطلوبیت، خشنودی، رضایت، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده، عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای آن می‌باشد (۲). خانواده‌ها با هدف ارتقای کیفیت زندگی و تلاش برای جلوگیری از تجزیه زندگی با ارتقای نگرش‌ها و ارزش‌های مثبت در مورد اهمیت نظام خانواده شکل می‌گیرند. تقویت خانواده به فرآیند آگاهانه در اختیارگذاشتن فرصت‌ها، روابط، شبکه‌ها، پشتیبانی و حمایت خانواده در مواقع سختی و تحولات اجتماعی معطوف است (۳).

هنگامی که خانواده به خوبی عمل می‌کند، احساس رضایت با ایجاد و تقویت توانایی‌های حل مسأله، راهگشای مشکلات خواهد بود (۴). عملکرد مثبت خانواده، محیطی را ایجاد می‌کند که اعضای خانواده یکدیگر را پشتیبانی و بپذیرند و در کنار هم درگیر فعالیت‌هایی باشند که رشد اعضا را تسهیل می‌کند. این ویژگی‌های گفته‌شده در خانواده‌هایی که عملکرد ناسازگار دارند، به طور معمول رخ نمی‌دهد (۵). در واقع در خانواده‌هایی با عملکرد پایین مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که می‌تواند آسیب‌های روانی را برای اعضای آن به وجود آورد. به همین دلیل بسیاری از پژوهشگران به دنبال عوامل تعیین‌کننده و پیش‌بینی‌کننده عملکرد خانواده در راستای بهبود سلامت فردی و جامعه هستند (۶). بنابراین خانواده به عنوان پایدارترین واحد اجتماعی، محوری اساسی برای عملکرد سالم افراد و جامعه می‌باشد (۷). سلامت و بالندگی هر جامعه به سلامت و رشد خانواده در آن جامعه وابسته است (۸)، اما به گزارش ایرنا آمار نشان می‌دهد که ازدواج در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، بیش از ۳۶ درصد کاهش یافته

است و طلاق ۲۸ درصد رشد داشته است (۹). بنابراین نرخ ازدواج از یکسو بسیار کاهش یافته است و از سوی دیگر ناپایداری آن در قالب طلاق رو به افزایش بوده است. همچنین بیشترین آمار طلاق به ترتیب در استان‌های تهران (۳۳۷۳۳)، فارس (۱۰۰۹۳)، اصفهان (۱۰۰۲۴)، آذربایجان شرقی (۹۰۱۱۹) و مازندران (۸۷۱۸) می‌باشد (۱۰).

با توجه به اهمیت خانواده در ابعاد گوناگون زندگی انسان مطالعات بسیاری در ارتباط با ازدواج انجام شده است که البته بیشتر این پژوهش‌ها روی رابطه‌ای که رضایتمند و بلندمدت هستند، تمرکز نکرده‌اند، بلکه روی متغیرهای تمرکز کرده‌اند که مایه ازهم‌پاشیدن ازدواج هستند، در حالی که برخی ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامند، تعدادی ازدواج‌ها هم وجود دارند که سالم و پایدار باقی می‌مانند، اخیراً در دنیا گرایشی پیدا شده است که به جای تمرکز بر عوامل مؤثر بر طلاق همسران، بر روی ازدواج‌هایی که پایدار و رضایتمند مانده‌اند، تمرکز کرده است. تمرکز بر اینکه چه عواملی مایه پایداری ازدواج‌ها می‌شود، مایه به دست‌آمدن تصویری می‌گردد که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های پایدار در جامعه سازنده باشد، اگر پژوهشگران بتوانند عواملی را شناسایی کنند که ازدواج را بر روی مسیر موفقیت قرار دهد، جامعه می‌تواند نرخ پایین‌تری از طلاق، افزایش دوام، پایداری و رضایت در ازدواج را تجربه کند (۱۱). فرض بنیادی در تحقیقاتی که از دیدگاه توانایی‌محور به مسائل خانواده می‌نگرند، همچون پژوهش‌های راجع به ازدواج‌های پایدار رضایتمند، این است که احتمالاً زوج‌های دارای ازدواج پایدار رضایتمند دارای ویژگی‌ها و منابعی هستند که آن‌ها را قادر ساخته تا روابطشان را در برابر تنیدگی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی به خوبی حفظ کنند (۱۲). در پیکره متون ازدواج مستحکم نیاز به مطالعات عمیق‌تر به منظور بررسی چگونگی، چرایی‌ها و فرآیند ازدواج همسرانی که ازدواج پایدار دارند، وجود دارد. ما به طور کلی درباره ازدواج‌های مستحکم اندک می‌دانیم و حتی خلأ وجود پژوهش درباره ازدواج‌های پایدار بیشتر احساس می‌شود (۱۳). می‌توان گفت این احساس نیاز در ایران بیشتر است، زیرا جستجوهای پژوهشگر اطلاعاتی نشان داد که تاکنون تعداد

محدودی پژوهش درباره پایداری خانواده در ایران انجام شده است. این در حالی است که در اسلام، خانواده یکی از نهادهای زیربنایی بنیاد هستی و از ساختارهای اصلی جامعه اسلامی به شمار می‌آید که همگام با دیگر ساختارهای جامعه در راه تحقق اهداف انسان، گام برمی‌دارد. بنابراین توجه به آن ضروری می‌باشد (۱۴). همچنین در کنار اهمیت خانواده در فرهنگ ایرانی و اسلامی روابط زناشویی پایدار و رضایتبخش در فراهم‌آوردن نتایج مثبت برای اعضای خانواده، از جمله سلامت روانی مثبت نقش دارد، زیرا محیط ایمن و مطمئنی را برای رشد اعضای خانواده فراهم می‌کند (۱۵).

برداشت ما از مفهوم خانواده، به قوانین اجتماعی، اخلاقی و فرهنگ جامعه بستگی دارد. در سطح جامعه‌شناختی باورهای ما درباره کارآمدی یا ناکارآمدی خانواده، خانواده‌های سالم و ناسالم و رضایت از خانواده، به تعاریف ما از خانواده بستگی دارد. واژه خانواده اغلب تصویر ذهنی خاصی را برای افراد تداعی می‌کند که برای هر شخص، اولین تصویر محتمل، خانواده خود اوست. این خانواده معمولاً شامل مادر و پدر و فرزندان است، اما از آنجا که تعریف خانواده در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است (۱۶) و عوامل گوناگون فرهنگی بر خانواده تأثیر می‌گذارند (۱۷). تعریف «خانواده دارای عملکرد سالم و ناسالم دشوار می‌شود» (۱۸). در هنگام تلاش برای به دست‌آوردن بینش در مورد پایداری خانواده، یکی از شناخته‌شده‌ترین محققان در این زمینه دیوید اولسون (David Olson) می‌باشد. مدل دایره‌ای اولسون از نظام‌های زناشویی و خانواده مبنای بسیاری از تحقیقات انجام‌شده در تاریخ اخیر است (۱۹). اولسون با دیدی نظام‌مند، خانواده را مورد بررسی قرار داده است و الگویی مرکب از نظام خانواده و روابط زناشویی ارائه کرده است. خانواده در دیدگاه نظام‌مند، به عنوان مجموعه‌ای از عناصر تلقی می‌شود که هر یک دارای نقش‌های تعریف‌شده و در عین حال پویا بوده و در راستای دستیابی به اهداف مشخص در کنش و واکنش درون نظام و برون نظام هستند (۲۰). انسجام (Cohesion)، انعطاف‌پذیری (Flexibility) و ارتباط (Relationship) در خانواده، سه بعد

الگوی دایره‌ای اولسون هستند. این سه بعد از دسته‌بندی مفهومی بیش از ۵۰ مفهوم برای توصیف پویایی خانواده و ازدواج برآمده است.

انسجام، یعنی تعادل بین جدایی و پیوستگی (۲۱) که میزان این جدایی و پیوستگی را اولسون در پنج سطح (درجات باهم‌بودن)، منقطع، تا حدی متصل، متصل، خیلی متصل و بیش از حد متصل طبقه‌بندی می‌کند. ایجاد تعادل بین جدایی و باهم‌بودن کلید انسجام خانوادگی سالم است، اگرچه قطع‌شدگی (جدایی بیش از حد) یا متصل‌بودن بسیار زیاد (باهم‌بودن بیش از حد) در کوتاه‌مدت می‌تواند رضایت‌بخش باشد، اما ارتباطاتی که بر این اساس شکل می‌گیرد، ممکن است ناسالم باشد. این امر طبیعی است که خانواده‌ها بین باهم‌بودن و جدایی بسته به آنچه که در خانواده اتفاق می‌افتد، در نوسان باشند، اما خانواده‌هایی که در یک سطح افراطی باهم‌بودن (یا فقدان آن) گیر می‌کنند، تمایل به مشکلات بیشتری نشان می‌دهند (۲۰). ایجاد تعادل بین جدایی و باهم‌بودن آسان نیست و اغلب خانواده‌ها تعادلشان را از دست می‌دهند. خانواده درمانگران و آموزش‌دهندگان خانواده با همدیگر در این خصوص که سه وضعیت میانی برای خانواده‌ها بهترین کارکرد را دربر دارد، هم عقیده‌اند (۲۰).

انسجام خانواده، پیوندهای عاطفی بین اعضای خانواده است. برخی مفاهیم خاص که در این الگو، برای تشخیص و سنجش انسجام در خانواده مطرح شده است، از این قرار است: رشته‌های عاطفی، مرزها، اتحاد، زمان، مکان، دوستان، تصمیم‌گیری، علاقمندی و تفریح. زوجها یا خانواده‌های دارای انسجام متعادل، در طول چرخه زندگی خانوادگی، کارکرد بهتری نشان می‌دهند، در حالی که افراد زمان‌هایی را به طور شخصی و جداگانه می‌گذرانند، زمان‌های کنار هم‌بودن را هم با لذت و شادمانی سپری می‌کنند، تصمیم‌گیری‌های مشترک دارند، یکدیگر را حمایت می‌کنند. فعالیت‌ها و علائق مستقلی دارند و به فعالیت‌های یکدیگر هم علاقه و توجه نشان می‌دهند. اعضای خانواده، نزدیکی و وفاداری عاطفی زیادی نسبت به روابط خود دارند. زمان‌های باهم‌بودن مهم‌تر از

فعالیت به تنهایی است. تأکید زیادی بر کنار هم قرارگرفتن دارند. دوستان مشترک، فعالیت‌ها و علائق مشترک زیادی دارند، اما به هر حال فضای شخصی هر کس محفوظ است و هر کس می‌تواند در دایره تمایلات خود حرکت کند. در خانواده‌هایی که پیوندهای عاطفی ضعیف است، هر یک از اعضا به فعالیت‌های خود رسیدگی می‌کنند، نسبت به یکدیگر دلبستگی و اشتراک کمی دارند، افراد اغلب زمان خود را مستقل می‌گذرانند و معمولاً نمی‌توانند برای حمایت و حل مسأله به یکدیگر مراجعه کنند. به عکس در خانواده‌هایی که پیوندهای شدید عاطفی باعث خدشه‌داری استقلال فرد می‌شود، افراد به شدت خود را درگیر یکدیگر می‌سازند. فضای خصوصی بی‌نهایت کوچک است و مورد احترام نیست، حق استقلال وجود ندارد، اغلب زمان فرد درون خانه می‌گذرد و همه ناچاراً باید تمام فعالیت‌ها را با یکدیگر هماهنگ کنند (۲۲). خانواده‌های موفق و توانمند خانواده‌هایی هستند که می‌دانند چگونه کارآمدترین تعادل میان من و ما را برقرار سازند. در این خانواده‌ها زوجین و اعضا فردیت و احساس نزدیکی خود را همزمان حفظ می‌کنند (۲۱).

انعطاف‌پذیری خانواده، یعنی تعادل بین ثبات و تغییر (۲۱)، یعنی بازبودن و آمادگی، جهت‌تغییری که در داخل خانواده ایجاد می‌شود (۲۰). به بیان دیگر انعطاف‌پذیری خانواده به میزان تغییرپذیری در روابط، نقش‌ها و قوانین خانواده اطلاق می‌شود. انعطاف‌پذیری به این اشاره دارد که نظام چطور ثبات و تغییر را هماهنگ و متوازن می‌سازد (۲۳). بنابراین مفهوم انعطاف‌پذیری نشان‌دهنده قابلیت خانواده در تغییر شیوه رهبری و هدایت است. اینکه میزان قدرتی که اعمال می‌شود بر اساس نیاز و شرایط تغییرپذیر باشد و اینکه هر فرد به میزانی در اعمال قدرت نقش داشته باشد، همچنین نقش‌ها و قواعد خانواده قابل تغییر و بر نیاز افراد منطبق باشد و در صورت نیاز، تغییرات لازم با حفظ انسجام خانواده به راحتی ایجاد شود (۲۳). به طور کلی خانواده‌ها به یک ساختار اساسی نیازمندند که به آن‌ها ثبات می‌بخشد، اما معمولاً آن‌ها در هنگام ضرورت نیاز دارند که باز باشند، مخصوصاً وقتی که خانواده‌ها تحت استرس قرار دارند و نیازمند سازگاری با یک بحران

هستند، توانایی برای تغییر مهم است (۲۰). از نظر اولسون پنج سطح انعطاف‌پذیری شامل: بی‌انعطاف (سخت)، تا حدی منعطف، منعطف، خیلی منعطف و انعطاف بیش از حد آشفته می‌باشد (۲۰). مدل اولسون از طریق بررسی میزان تغییرات ممکن در رهبری، روابط نقش و قوانین خانواده به انعطاف‌پذیری می‌پردازد. هم ثبات و هم تغییر در روابط سالم خانواده و زوج ضروری است و توانایی اجازه‌دادن به تغییر در صورت نیاز، خانواده‌های عملکردی را از ناکارآمد متمایز می‌کند. انعطاف‌پذیری بسیار کم منجر به سفت و سختی می‌شود، به طوری که روابط خانواده یا زوج قادر به تغییر یا تکامل در پاسخ به تغییر نیست، خواه این تغییر در داخل از طریق رشد تک‌تک اعضا ایجاد شود یا توسط محیط تحمیل شود. انعطاف‌پذیری بیش از حد منجر به هرج و مرج می‌شود و اعضای خانواده نمی‌توانند توافقی‌های مشترکی را ایجاد کنند که بر اعمال و روابط متقابل آن‌ها حاکم باشد و هیچ پایه محکمی برای ایستادن فراهم نمی‌کند. در بین این دو افراط، گزینه‌های متعادل خانواده‌های انعطاف‌پذیر یا ساختاریافته قرار دارد، جایی که تعادل بین سختی و هرج و مرج از یک پایه قوی از درک مشترک قوانین و نقش‌های درون رابطه به دست می‌آید (۲۴). شش ویژگی انعطاف‌پذیری خانوادگی شامل: رهبری (Leadership)، نظم (Discipline)، مذاکره (Negotiation)، نقش‌ها (Roles)، قواعد (Rules) و تغییر (Change) می‌باشد (۲۰).

ارتباطات، بعد سوم در الگوی دایره‌ای است و بعد تسهیل‌کننده نام دارد. ارتباطات برای تسهیل حرکت در سطح دو بعد دیگر ضروری است. ارتباطات خانواده و زوجها را با توجه به مهارت‌های گوش‌کردن، صحبت‌کردن، خودآشکارسازی، شفافیت، احترام و توجه می‌توان ارزیابی کرد. مهارت‌های گوش‌کردن، تمرکز بر صحبت‌های دیگران با دقت و توأم با همدلی است. مهارت صحبت‌کردن شامل نحوه صحبت با دیگران است. خودآشکارسازی به معنی تقسیم‌کردن احساسات خود با دیگران است. شفافیت به معنی صحبت‌کردن روشن، واضح، بی‌پرده و بی‌کنایه است. احترام و توجه مهارت‌هایی‌اند که در حیطه عاطفی و در حل مسائل به کمک زوجین و

خانواده می‌آیند. هرچه مهارت‌های ارتباطی افراد درون خانواده بیشتر باشد، تعادل خانواده بهتر حفظ خواهد شد (۲۲). مدل اولسون ارتباط را به عنوان یک مهارت «تسهیل‌کننده» می‌داند. مهارتی که پتانسیل حمایت از خانواده‌ها و زوجها را برای حرکت به سطوح کاربردی‌تر انعطاف‌پذیری و انسجام دارد. خانواده‌هایی که سطوح متعادلی از تعامل و گشودگی نسبت به تغییر را نشان می‌دهند، در مقیاس‌های مهارت‌های شنیداری، خودافشایی و نشان‌دادن احترام و توجه در ارتباطات، امتیاز بیشتری کسب می‌کنند.

بارون کوهن (Baron-Cohen) شناخت اجتماعی (Social Cognition) را حالتی که فرد اطلاعات مربوط به دنیای اجتماعی را به خاطر می‌آورد، تحلیل می‌کند، تفسیر می‌کند و به موقع به کار می‌برد، تعریف می‌کند (۲۵).

به عقیده بارون کوهن یکی از مهارت‌هایی که ممکن است به افراد در زمینه شناخت اجتماعی کمک کند، توانایی خواندن وضعیت ذهنی دیگران است که به این توانایی ذهن‌خوانی گفته می‌شود. ذهن‌خوانی یکی از مؤلفه‌های شناخت اجتماعی است و به تشخیص و تفسیر حالات هیجانی دیگران اشاره دارد. ذهن‌خوانی به افراد کمک می‌کند تا نیت دیگران را درک کنند و بر اساس آن رفتارهای آینده آن‌ها را پیش‌بینی نمایند (۲۶). بارون کوهن تئوری ذهن را توانایی استنباط حالت‌های ذهنی مانند مقاصد، خاطرات، باورها و استفاده از آن برای درک و پیش‌بینی رفتار خود و دیگران می‌داند. به اعتقاد وی تئوری ذهن منظومه‌ای از انواع حالات ذهنی است که در ارتباط متقابل با یکدیگر است (۲۷). به عبارت دیگر، شناخت و روابط اجتماعی موفق، مستلزم داشتن مکانیسمی خاص جهت درک حالات درونی دیگران و پردازش حالات ذهنی آن‌ها است که نظریه ذهن با دارا بودن این توانایی اختصاصی در تحول شناخت اجتماعی نقش حیاتی دارد (۲۸). در پژوهش‌های صورت‌گرفته نتایج ذیل مشاهده گردید: شناخت اجتماعی اساس موفقیت در ارتباطات می‌باشد (۲۹). خلأ موجود در شناخت اجتماعی موجب اختلال در بسیاری از عملکردها می‌شود که تأثیر این خلأ بسیار چشم‌گیر است، زیرا نه تنها

توانایی فرد در برقراری ارتباط با دیگران، بلکه نگرش او از خویش را نیز زیر نفوذ خود قرار می‌دهد (۳۰). افرادی که نقص در شناخت اجتماعی دارند، اغلب در شناخت نیازهای خود مشکل داشته و نمی‌توانند نیازهای خود را با اهداف زندگی خویش منطبق سازند (۳۱). آن‌ها اغلب در مبادلات اجتماعی دچار اشتباه می‌شوند و در نتیجه از نظر مهارت‌های ارتباطی، اجتماعی، شغلی و تحصیلی با مشکل مواجه می‌شوند (۳۲). شناخت اجتماعی یک توانایی کلیدی است که انسان‌ها برای موفقیت در تعاملات اجتماعی در زندگی روزمره نیازمند آن هستند (۳۳). شناخت اجتماعی یکی از موضوعات مهم در روابط بین فردی و درون‌فردی است (۳۴). توانایی رمزگشایی حالات ذهنی، بهترین میانجی عملکرد اجتماعی است و زوجینی که از توانایی پایین‌تری در درک، تشخیص و ارزیابی دیدگاه طرف مقابل بهره‌مند هستند، در مقایسه با دیگران مشکلات بین فردی بیشتری دارند (۳۵). شناخت اجتماعی در زنان متقاضی طلاق پایین‌تر از زنان عادی می‌باشد (۳۶). ذهن‌خوانی از طریق سلامت روان، موجب افزایش هرچه بیشتر رضایت زناشویی می‌شود (۳۷). روش‌هایی که زوجین یکدیگر را درک، تفسیر و ارزیابی می‌کنند، تأثیر معناداری بر کیفیت زناشویی آن‌ها دارد و درک دیدگاه طرف مقابل، از پیش‌بین‌های مهم کیفیت زناشویی است (۳۸). بنابراین مرور پیشینه نشان داد شناخت اجتماعی در مهارت‌های ارتباطی بین فردی و درون‌فردی و ایجاد رضایت زناشویی از اهمیت به سزایی برخوردار است، اما تا به حال تأثیر آن بر پایداری خانواده بررسی نشده است. بنابراین در این پژوهش بر اساس نظریه بارون کوهن و پژوهش‌های انجام‌شده این فرضیات در نظر گرفته می‌شود که: بین شناخت اجتماعی و پایداری خانواده رابطه معناداری وجود دارد. بین شناخت اجتماعی و مهارت ارتباطی رابطه معنادار وجود دارد. بر اساس شناخت اجتماعی می‌توان پایداری خانواده شهروندان شهر تهران را پیش‌بینی نمود.

شناخته‌شده‌ترین نظریه ساختاری در عشق (Love)، نظریه مثلث عشق رابرت استرنبرگ (Robert Sternberg) (۱۹۸۶)

م.) است که به ما فرصت بررسی احساسات افراد عاشق در جنبه‌های مختلف عشق را می‌دهد. استرنبرگ اظهار داشت که عشق یک حالت روان‌شناختی است که دارای سه بعد صمیمیت (Intimacy)، شور و شوق (Passion) و تعهد و تصمیم (Commitment & descision) می‌باشد (۳۹-۴۰). صمیمیت، عاملی هیجانی است و به جنبه عاطفی از عشق اشاره دارد که در آن فرد نسبت به شریک خود سرمایه‌گذاری عاطفی می‌کند. با وجود صمیمیت در روابط، افراد عاشق با یکدیگر ارتباط عاطفی، حمایت عاطفی، درک دوجانبه و خود افشاگری دارند. بنابراین صمیمیت ارتباط گرم و محبت‌آمیز، ابراز نگرانی در مورد سلامت طرف مقابل و میل به پاسخ متقابل همسر را شامل می‌شود. تعهد، عنصر شناختی است و شامل تعهد کوتاه‌مدت و بلندمدت در روابط عاشقانه می‌باشد. تعهد با مراقبت، پایایی و مداوم‌بودن رابطه مرتبط است. شهوت که عامل انگیزشی (انگیختگی جسمانی و روانی) است، اشاره به احساسات، میل جنسی، داستان‌های عاشقانه، جذابیت فیزیکی دارد که انگیزه را برای گسترش روابط به وجود می‌آورد. با توجه به عامل شهوت، فرد یک شریک را به دیگران ترجیح می‌دهد. این امر خود نشان‌دهنده ارتباط شهوت با دلبستگی است که فرد عاشق یک نگاره دلبستگی را به دیگران ترجیح می‌دهد و آن را با دیگری جایگزین نمی‌کند (۴۱).

در پژوهش‌های صورت‌گرفته نتایج ذیل مشاهده گردید: عشق در واقع یکی از عوامل بسیار مؤثر بر میزان رضایت زوجین، پابرجایی و استحکام بیشتر بنیاد خانواده می‌باشد. بسیاری از افراد عشق را به عنوان پایه روابط زناشویی در نظر می‌گیرند (۴۲). عشق به عنوان یک جزء مهم و مؤثر در ازدواج‌های موفق است (۴۳). اثر مستقیم سلامت خانواده اصلی و ابعاد عشق بر رضایت زناشویی معنادار بود (۴۴). عشق رابطه مستحکمی با رضایت زوجین دارد و یکی از عوامل مهم در دستیابی به رضایت زناشویی در روابط زناشویی، عشق است (۴۵). با افزایش سطح عشق‌ورزی و ابعاد آن در نزد زنان متأهل، میزان رضایت زناشویی آنان بیشتر می‌گردد (۴۶). بین مؤلفه‌های عشق‌ورزی، بعد رضایت زناشویی و میل به استمرار رابطه زناشویی با بعد تعهد رابطه مثبت وجود دارد (۴۷)، سه

جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد تئوری استرنبرگ را به عنوان پیش‌بینی‌کننده رضایتمندی در زوجین متأهل بیان کرده و جز صمیمیت را دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی رضایتمندی زوجی عنوان می‌کنند (۴۸). بین اعتماد، عشق و رضایت از زندگی زناشویی رابطه مثبت و فزاینده وجود دارد (۴۹). همچنین بین قصه‌های عشق افراد و خرده‌مقیاس‌های خودپنداره ارتباط مثبت معنادار وجود دارد (۵۰). رضایت تعهد رابطه (یکی از ابعاد عشق) با خودپنداره همبستگی مثبت دارد (۵۱). بنابراین مرور پیشینه نشان داد عشق پایه اصلی رضایت زناشویی، استمرار رابطه زناشویی و ارتباط با خود می‌باشد، اما تأثیر آن بر پیش‌بینی پایداری خانواده تا کنون بررسی نگردیده است، بنابراین در این پژوهش بر اساس نظریه استرنبرگ و پژوهش‌های انجام‌شده این فرضیات در نظر گرفته می‌شود که: بین عشق و پایداری خانواده رابطه معنادار وجود دارد. بین عشق و مهارت‌های ارتباطی رابطه معنادار وجود دارد. بر اساس عشق می‌توان پایداری خانواده شهروندان شهر تهران را پیش‌بینی نمود.

روی برکو (Roy Berko) و همکاران (۱۹۹۸) ارتباط را فرآیندی می‌دانند آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته که از طریق آن احساسات و نظرات، به شکل پیام‌هایی کلامی و یا غیر کلامی بیان گردیده، سپس ارسال، دریافت و ادراک می‌شوند (۵۲). حوزه‌های مهارت ارتباطی (Communication Skills) به سه قسمت مهارت برقراری ارتباط درون فردی (Intrapersonal)، بین‌فردی (Interpersonal) و عمومی (Public Communication) تقسیم شده که در این پژوهش روابط درون فردی مورد مطالعه قرار گرفته است.

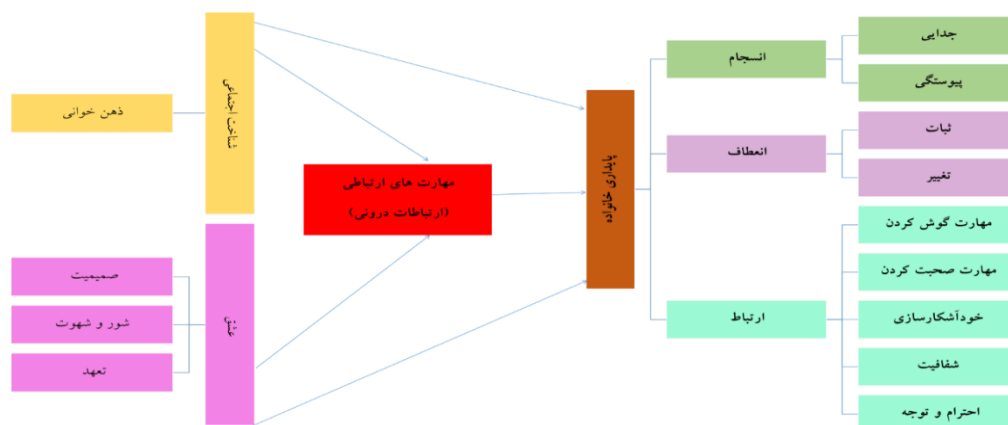
ارتباط درون فردی ارتباط با خود یا مکالمه درونی (Self-Talk) است. این ارتباط افکار هر فرد را شامل می‌شود و یک فرآیند شناختی است که درون ما رخ می‌دهد و چون تفکر مبتنی بر استفاده از لغات و کلمات و معانی است، این فرآیند گونه‌ای از ارتباط است (۵۳). ارتباط با خود دربرگیرنده، مشکلات درونی یا حل تعارضات درون فردی است. این ارتباط علاوه بر برنامه‌ریزی برای آینده، عملکرد عاطفی و ارزیابی خود و دیگران را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین این ارتباط باید

کاملاً شناخته شود، زیرا مبنایی برای ارتباطات بعدی است. Berko و همکاران معتقدند که تقریباً تمام ارتباطاتی که برقرار می‌کنیم، از سخن گفتن با خود، شکل می‌گیرند. ما در ذهن خود برنامه‌ریزی و ارزیابی می‌کنیم و تصویرسازی انجام می‌دهیم. این ارتباط با خود را ارتباط درون فردی می‌نامند که همان ارتباط نظام‌مند با خود است. معناسازی، درک یک موقعیت یا پیام، ذات ارتباطات درون فردی است، هرچه در ارتباط درون فردیتان معنا را با دقت بیشتری پردازش کنید، ارتباط میان فردیتان مؤثرتر خواهد بود. همانطور که پیام‌های خود را اصلاح می‌کنید، در حال بهره‌برداری از شناخت هستتید (۵۴). خود و ارتباطات پیوند نزدیکی با یکدیگر دارند، به همین خاطر در دهه‌های اخیر موضوعات مهمی در روان‌شناسی فردی و اجتماعی شده‌اند. به عقیده روان‌شناسان، نقشی که خود در ارتباطات دارد، بسیار مهم و پیچیده است، چراکه پویایی‌های ارتباطی را تحت تأثیر قرار داده و چگونگی ارتباط فرد با دیگران بستگی به این دارد که او خود را چگونه می‌بیند و چگونه با خود ارتباط برقرار می‌کند (۵۵). ارتباطات درونی مثبت می‌توانند تعارضات را حل کرده و به فرد در رویارویی با شرایط دشوار و بهروزی عمومی کمک کنند. بنابراین یادگیری و تمرین ارتباطات درون فردی برای همه مهم و مفید است (۵۶). ارتباط درون فردی ابعاد مختلفی دارد شامل خودپنداره، عزت نفس، خودآگاهی، اعتماد به نفس، خودصحتی مثبت، تصور تعاملات، داشتن چارچوب مرجع، خوش‌بینی و خودمدیریتی (۵۷) که در این پژوهش بیشتر تمرکز بر خودآگاهی، خودصحتی و تصور تعاملات می‌باشد.

در پژوهش‌های صورت‌گرفته نتایج ذیل مشاهده گردید: بین خودپنداره و احساس مثبت به همسر با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد (۵۸). همبستگی مثبت بین خودپنداره و رضایت زناشویی وجود دارد (۵۹).

یافته‌ها نشان داد که متغیر ارتباط با خود و شریک زندگی و جهت‌گیری‌های عشقی پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای رضایت از رابطه بودند (۶۰)، نقطه شروع هر نوع ارتباطی، ارتباط با خود است برای ارتباط مثبت و اثربخش با دیگران فرد باید در ابتدا قادر باشد با خود ارتباط مناسبی برقرار کند (۶۱). بنابراین مرور پیشینه نشان داد که بین ابعاد ارتباطات درون فردی و رضایت زناشویی و ارتباطات بین فردی رابطه وجود دارد، اما تأثیر آن بر پایداری خانواده تا به حال سنجیده نشد است. بنابراین با توجه به نظریه برکو (۵۴) و پژوهش‌های انجام‌شده در این پژوهش فرضیات ذیل مدنظر قرار می‌گیرد: بین مهارت‌های ارتباطی و پایداری خانواده رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس شناخت اجتماعی با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود. بر اساس عشق با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود.

با توجه به مطالب فوق امروزه خانواده مفهومی است، بسیار کلان که سیاست‌گذاران، جامعه‌شناسان، پزشکان اجتماعی، روان‌پزشکان، مددکاران، روان‌شناسان و مشاوران خانواده به آن در عصر جدید توجه ویژه‌ای دارند. با توجه به اهداف پژوهش و زمینه مورد مطالعه این تحقیق موضوع پژوهش را از منظر روان‌شناسی با تأکید بر خانواده مورد بررسی قرار داده است. بنابراین پژوهش حاضر درصدد است مشخص نماید که آیا می‌توان بر اساس شناخت اجتماعی و عشق با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی، پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود؟ و آیا مدل ارائه‌شده از برازش مناسب برخوردار خواهد بود؟ (مدل ۱).



روش

جهت بررسی اعتبار محتوا پرسشنامه‌های محقق‌ساخته از روش Lawshe که یک روش پرکاربرد برای سنجش اعتبار محتوا می‌باشد، استفاده گردید. این روش میزان موافقت میان ارزیابان یا داوران در خصوص «مناسب یا اساسی بودن» یک گویه خاص را اندازه‌گیری می‌کند (۶۲). در این پژوهش سؤالات پرسشنامه در اختیار ۱۱ نفر از اساتید روان‌شناسی دانشگاه‌های مختلف قرار گرفت تا میزان اعتبار هر گویه، یعنی نسبت روایی محتوا یا CVR (Content Validity) و شاخص روایی محتوایی یا CVI (Content Validity Index) محاسبه گردد، بدین‌منظور محقق پرسشنامه را همراه با برگه حاوی توضیحات لازم در اختیار ارزیابان قرار داد و از آن‌ها درخواست کرد که هر یک سؤالات را بر اساس معیارهای خواسته‌شده ارزیابی نمایند. در مورد CVI طیف لیکرت چهارگانه‌ای، غیر مرتبط، نیاز به بازبینی جدی، مرتبط، اما

نیاز به بازبینی و کاملاً مرتبط استفاده گردید (۶۳). نمره سؤالات اگر مقدار حاصل از ۰/۷ کوچکتر بود، گویه رد می‌شود؛ اگر بین ۰/۷ تا ۰/۷۹ بود، باید بازبینی انجام شود و اگر از ۰/۷۹ بزرگتر بود، قابل قبول است (۶۴). در بررسی ضرورت وجود سؤال، نسبت روایی محتوا CVR مورد استفاده قرار گرفت. هدف نسبت روایی محتوا، اطمینان یافتن از این است که مهم‌ترین و صحیح‌ترین محتوا انتخاب شده است، بدین‌منظور هر سؤال را بر اساس نمره ۳ گزینه‌ای (۱- ضروری نیست؛ ۲- مفید است، اما ضروری نیست؛ ۳- ضروری است) ارزیابی شد (۶۵). در صورتی که عدد به دست‌آمده از عدد جدول لاوشه (Lawshe) (برای تعیین حداقل ارزش شاخص) از ۰/۵۹ (بر اساس ارزیابی ۱۱ نفر متخصص) بزرگتر باشد، حاکی از این است که وجود عبارت مربوطه با سطح معنی‌داری آماری ($P < 0.05$) در این ابزار ضروری و مهم است (۶۶).

جامعه آماری این پژوهش، شهروندان متأهل تهرانی که حداقل ۱۰ سال سابقه سکونت در شهر تهران را تا سال ۱۴۰۱ داشته‌اند. نمونه آماری شامل شهروندان متأهل تهرانی مناطق ۱، ۶، ۹، ۱۵، ۱۹ تهران است که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. حجم نمونه این تحقیق ۳۸۵ نفر (جهت جلوگیری از خطا ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شده است) بوده است که بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل

داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی و آزمون‌های همبستگی پیرسون، آزمون سوبل و رگرسیون استفاده شده است. سطح معنی‌داری و ضریب اطمینان و ضریب همبستگی با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS 26 اندازه‌گیری شده است و جهت برازش مدل از نرم‌افزار AMOS 23 استفاده گردیده است. ابزارهای سنجش مورد استفاده در این پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. پرسشنامه پایداری خانواده: برای سنجش پایداری خانواده از پرسشنامه محقق ساخته طبق نظریه دایره‌ای اولسون استفاده گردیده است. این پرسشنامه شامل ۷۶ سؤال می‌باشد که شامل سه خرده‌مقیاس انسجام، انعطاف و ارتباط می‌باشد. طراحی سؤالات به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) می‌باشد که نمرات بالاتر نشان‌دهنده پایداری بیشتر در خانواده می‌باشد. نتایج شاخص روایی محتوا (CVR) نشان داد که ضرایب تمام گویه‌ها دارای ارزش عددی بالاتر از ۰/۸۰ بودند و هیچ گویه‌ای حذف نشد، اما سه سؤال از لحاظ نگارشی تصحیح گردید. نتایج نسبت روایی محتوا (CVR) نشان داد که ضرایب تمام گویه‌ها دارای ارزش عددی بالاتر از ۰/۵۹ بودند و هیچ گویه‌ای حذف نشد. میزان آلفای کرونباخ سؤالات رتبه‌ای پایداری خانواده در تست پایلوت (۱۰۰ نفر پاسخ‌دهنده) برابر ۰/۹۱ بوده است که از ۰/۵ بالاتر بوده است، اما با اصلاح چهار سؤال میزان آلفا افزایش یافت که در پرسشنامه اصلی این چهار سؤال اصلاح شد و در نمونه ۴۰۰ نفری میزان آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۸ بوده است که آلفای بسیار خوبی می‌باشد.

۲. پرسشنامه شناخت اجتماعی: برای سنجش شناخت اجتماعی از پرسشنامه محقق ساخته طبق نظریه تئوری ذهن بارون کوهن استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال می‌باشد که شامل خرده‌مقیاس ذهن‌خوانی (درک تمایلات، هیجانات و احساسات دیگران) می‌باشد که برای ارزیابی میزان توانایی شناختی فرد استفاده گردیده است. طراحی سؤالات به صورت طیف لیکرت (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) می‌باشد که نمرات بالاتر نشان‌دهنده توانایی

شناختی بیشتر فرد می‌باشد. نتایج شاخص روایی محتوا (CVR) نشان داد که ضرایب تمام گویه‌ها دارای ارزش عددی بالاتر از ۰/۸۰ بودند و هیچ گویه‌ای حذف نشد. نتایج نسبت روایی محتوا (CVR) نشان داد که ضرایب تمام گویه‌ها دارای ارزش عددی بالاتر از ۰/۵۹ بودند و هیچ گویه‌ای حذف نشد. همچنین آلفای کرونباخ سؤالات شناخت اجتماعی برابر با ۰/۹۵ که این عدد بزرگ‌تر از ۰/۵ می‌باشد، بنابراین آلفای معقولی می‌باشد.

۳. پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی: برای سنجش مهارت‌های ارتباطی (ارتباطات درونی) از پرسشنامه محقق ساخته طبق نظریه ارتباطات درونی برکو استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۳۲ سؤال می‌باشد که شامل خرده‌مقیاس ارتباط درونی (حرف زدن با خود، تفکر درونی، خودنگری، تصویرسازی، ارزیابی خود، آگاهی به احساسات، تمایلات و هیجانات خود) می‌باشد که برای میزان ارتباط درونی فرد با خود استفاده گردیده است. طراحی سؤالات به صورت طیف لیکرت (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) می‌باشد که نمرات بالاتر نشان‌دهنده توانایی ارتباط درونی بیشتر فرد می‌باشد. نتایج شاخص روایی محتوا (CVR) نشان داد که ضرایب تمام گویه‌ها دارای ارزش عددی بالاتر از ۰/۸۰ بودند و هیچ گویه‌ای حذف نشد. نتایج نسبت روایی محتوا (CVR) نشان داد که ضرایب تمام گویه‌ها دارای ارزش عددی بالاتر از ۰/۵۹ بودند و هیچ گویه‌ای حذف نشد. همچنین آلفای کرونباخ سؤالات مهارت‌های ارتباطی برابر با ۰/۹۷ که این عدد بزرگ‌تر از ۰/۵ می‌باشد، بنابراین آلفای معقولی می‌باشد.

پرسشنامه عشق: برای سنجش عشق از پرسشنامه مثلث عشق استرنبرگ که روایی و پایایی آن تأیید شده است، استفاده شده است. این پرسشنامه با هدف بررسی و ارزیابی ساختار عشق بر اساس مؤلفه‌های صمیمیت، شور و شهوت و تعهد ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۴۵ سؤال می‌باشد که هر مؤلفه شامل ۱۵ سؤال است. نمره‌گذاری سؤالات بر اساس مقیاس لیکرت صورت می‌گیرد. نمرات بالاتر به معنای صمیمیت، شور و شهوت و یا تعهد بیشتر می‌باشد. نتایج

مطالعاتی که از این پرسشنامه استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهد این مقیاس به عنوان ابزاری روا و پایا در فرهنگ‌های مختلف کاربرد دارد (۶۷-۶۸). پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های صمیمیت، شور و شهوت و تعهد به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۸ و ۰/۹۲ گزارش شده است (۶۹).

یافته‌ها

یافته‌های همبستگی نشان داد که به ترتیب شناخت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و عشق همبستگی مثبت و معنی‌داری با پایداری خانواده دارند. همچنین شناخت اجتماعی و عشق

همبستگی مثبت و معنی‌داری با مهارت‌های ارتباطی دارند. داده‌های مدل نیز نشان داد که شاخص‌های CFI و NFI به ترتیب در مدل برابر ۰/۹۹۹ و ۰/۹۹۵ هستند که نشان‌دهنده برازش قابل قبول مدل می‌باشند. RMSEA که مقدار آن برابر است با ۰/۰۷۷ که مقدار کمتر از ۰/۰۸ به معنای برازش خوب می‌باشد. GFI نیز برابر ۰/۹۹۶ می‌باشد که نشانگر برازش مطلوب است، در نتیجه از تمامی شاخص‌ها اینطور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد (جدول ۱).

جدول ۱: فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۴۷/۲
	زن	۵۲/۸
سن	حداقل	۲۰
	حداکثر	۷۰
وضعیت اشتغال	شاغل	۲۸۰
	بیکار	۹۵
	بازنشسته	۲۵
تعداد فرزند	بدون فرزند	۱۰۱
	تک فرزند	۱۳۹
	دو فرزند	۱۱۰
	سه فرزند	۳۷
	چهار فرزند	۱۳
محل سکونت	منطقه ۱	۸۰
	منطقه ۶	۸۰
	منطقه ۹	۸۰
	منطقه ۱۵	۸۰
	منطقه ۱۹	۸۰
میزان تحصیلات	زیردیپلم	۱۷
	دیپلم	۱۰۲
	فوق دیپلم	۶۱
	لیسانس	۱۲۳
	فوق لیسانس و بالاتر	۹۷
		۴/۳

تعداد کل پاسخگویان: ۴۰۰

برابر ۹۹/۸۷ می‌باشد. همچنین مقادیر چولگی و کشیدگی همگی در بازه ۲+ تا ۲- می‌باشند که نشان از نرمال بودن داده‌ها است.

۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای مدل: با توجه به جدول ۲ میانگین پاسخ افراد به شاخص پایداری خانواده برابر ۲۴۰/۵۸، برای شاخص شناخت اجتماعی برابر ۷۳/۱۹، برای شاخص عشق برابر ۱۳۱/۶۳، برای شاخص مهارت‌ها ارتباطی برابر ۹۹/۸۷.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای مدل

عامل	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیدگی
پایداری خانواده	۲۴۰/۵۸	۷۴/۶۱۱	۱۱۳	۳۷۵	۰/۰۱۷	-۱/۴۱۳
شناخت اجتماعی	۷۳/۱۹	۲۳/۸۲۰	۲۴	۱۲۰	۰/۲۴۳	-۱/۰۱۶
عشق	۱۳۱/۶۳	۴۳/۲۵۱	۵۴	۲۲۵	۰/۴۲۳	-۰/۸۴۴
مهارت‌های ارتباطی	۹۹/۸۷	۳۴/۴۹۴	۳۲	۱۶۰	-۰/۰۳۸	-۱/۲۶۷

در جدول ۳ نتایج حاصل از همبستگی پیرسون بین متغیر پایداری خانواده با متغیرهای شناخت اجتماعی، عشق و مهارت‌های ارتباطی آورده شده است.

جدول ۳: همبستگی بین متغیرهای پژوهش

عامل	پایداری خانواده	شناخت اجتماعی	عشق	مهارت‌های ارتباطی
پایداری خانواده	۱			
شناخت اجتماعی	۰/۸۹۹*	۱		
عشق	۰/۸۶۱*	۰/۸۲۵*	۱	
مهارت‌های ارتباطی	۰/۸۹۸*	۰/۹۱۷*	۰/۸۵۵*	۱

*P<0.05

- بین شناخت اجتماعی و پایداری خانواده شهروندان شهر تهران رابطه وجود دارد. هرچه شناخت اجتماعی بیشتر باشد، پایداری خانواده شهروندان نیز بالاتر خواهد بود.

- بین عشق و پایداری خانواده شهروندان شهر تهران رابطه وجود دارد. هرچه میزان عشق بیشتر باشد، پایداری خانواده شهروندان نیز بالاتر خواهد بود.

- بین مهارت‌های ارتباطی و پایداری خانواده شهروندان شهر تهران رابطه وجود دارد. هرچه مهارت‌های ارتباطی بیشتر باشد، پایداری خانواده شهروندان نیز بالاتر خواهد بود.

همانطور که از جدول ۳ مشخص است، کلیه اعداد بین منفی یک تا یک می‌باشند. بنابراین همه متغیرها با هم ارتباط مثبت و معنی‌داری دارند و بیشترین همبستگی مثبت با پایداری خانواده را شناخت اجتماعی دارا می‌باشد. در جدول فوق علامت * نشان‌دهنده معنی‌داری در سطح ۵ درصد $p<0.05$ است، بنابراین فرضیه h_1 تأیید و فرضیه h_0 رد می‌گردد. بنابراین فرضیات اول تا پنجم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرند.

- بین شناخت اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی شهروندان شهر تهران رابطه وجود دارد. هرچه شناخت اجتماعی بیشتر، مهارت‌های ارتباطی بالاتر خواهد بود.

- بین عشق و مهارت‌های ارتباطی شهروندان شهر تهران رابطه وجود دارد. هرچه عشق بیشتر، مهارت‌های ارتباطی بالاتر خواهد بود.

۲. **نتایج برازش مدل:** شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و شاخص برازندگی هنجار شده (NFI) شاخص‌هایی هستند که برازش مدل پیشنهادشده به مدل مستقل (که فرض می‌کند بین داده‌ها رابطه‌ای وجود ندارد) را می‌سنجد و به ترتیب در مدل برابر ۰/۹۹۹ و ۰/۹۹۵ هستند. با توجه به اینکه مقادیر ۰/۹ و بالاتر قابل قبول می‌باشند، این اندازه‌ها نیز نمایانگر برازش قابل قبول مدل هستند. ضریب شاخص ریشه میانگین مجزورات خطای تقریب (RMSEA)، متوسط باقیمانده‌های

بین همبستگی/ کوواریانس مشاهده‌شده نمونه و مدل مورد انتظار برآوردشده از جامعه است که بنا بر توصیه لوهلین (Lohlin) مقدار کمتر از ۰/۰۸ به معنای برازش خوب می‌باشد.

نیکویی برازش مدل (GFI) نیز مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌ها را به گونه مشترک از طریق مدل ارزیابی می‌کند. ویژگی خاص شاخص GFI این است که به حجم نمونه بستگی ندارند. دامنه تغییرات این دو شاخص بین صفر و یک می‌باشد و مقدار برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹۰ نمایانگر برازش مطلوب است، همانطور که در جدول ۴ آمده است، مقدار GFI برابر ۰/۹۹۶ می‌باشد که نشانگر برازش مطلوب است، در نتیجه از تمامی شاخص‌ها اینطور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص	مجدور کای	CMIN/DF	CFI	NFI	RMSEA	GFI
مدل مفهومی	۲/۰۱۴	۰/۵۰۳	۰/۹۹۹	۰/۹۹۵	۰/۰۷۷	۰/۹۹۶

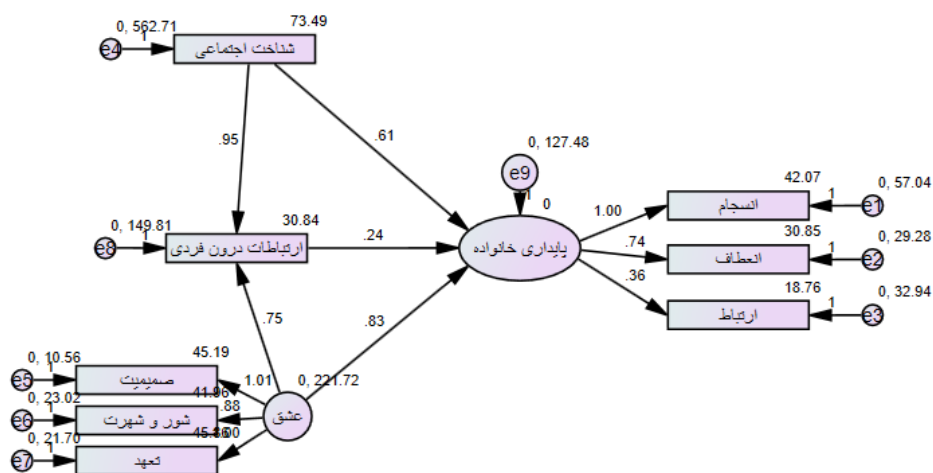
با توجه به جدول ۵ علامت ضریب رگرسیونی نشان از تأثیر مثبت و یا منفی دو به دوی متغیرها می‌باشد. به طور کلی اگر مقدار ناحیه بحرانی از عدد ۱/۹۶ بیشتر باشد، نشان از این امر است که تأثیر معنی‌دار است.

- ضریب رگرسیونی تأثیر متغیر شناخت اجتماعی بر پایداری خانواده برابر ۰/۶۱۵ می‌باشد، همچنین مقدار ناحیه بحرانی برای این ضریب برابر ۱۰/۶۳۴ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد که نشان از معنی‌دار بودن این ضریب در سطح خطای ۵ درصد است. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است فرضیه ششم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین بر اساس شناخت اجتماعی می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود.

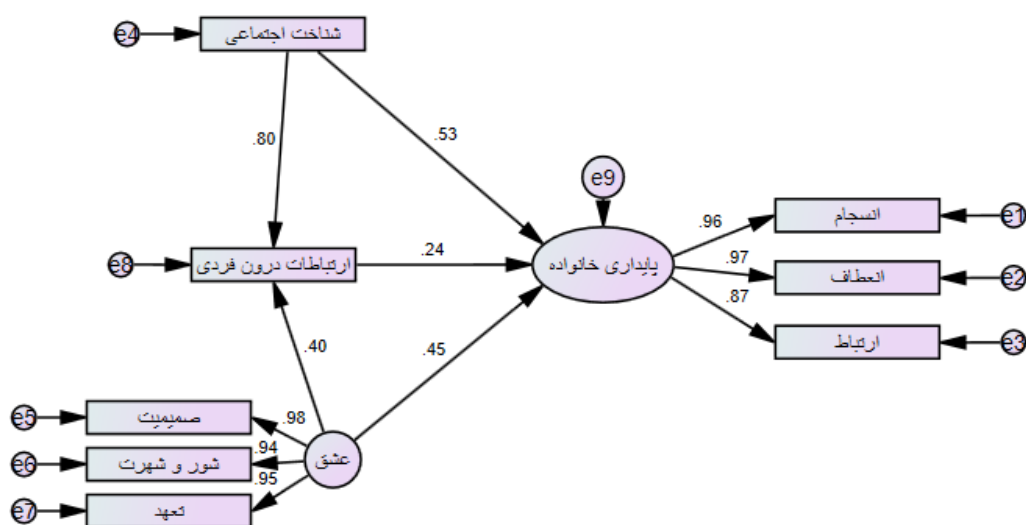
- ضریب رگرسیونی تأثیر متغیر عشق بر پایداری خانواده برابر ۰/۸۳۱ می‌باشد. همچنین مقدار ناحیه بحرانی برای این ضریب برابر ۱۳/۴۴۵ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد که نشان از معنی‌دار بودن این ضریب در سطح خطای ۵ درصد است. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که فرضیه هفتم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین بر اساس عشق می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود (مدل ۲ و ۳).

جدول ۵: ضرایب رگرسیونی متغیرهای فرضیات پژوهش

متغیر دوم	شرح	متغیر اول	ضریب	خطای استاندارد	ناحیه بحرانی	P
مهارت‌های ارتباطی	←	عشق	۰/۷۴۹	۰/۰۴۴	۱۶/۸۷۵	۰/۰۰۱<
مهارت‌های ارتباطی	←	شناخت اجتماعی	۰/۹۴۵	۰/۰۲۷	۳۵/۴۲۵	۰/۰۰۱<
پایداری خانواده	←	مهارت‌های ارتباطی	۰/۲۳۸	۰/۰۵۴	۴/۴۳۴	۰/۰۰۱<
پایداری خانواده	←	شناخت اجتماعی	۰/۶۱۵	۰/۰۵۸	۱۰/۶۳۴	۰/۰۰۱<
پایداری خانواده	←	عشق	۰/۸۳۱	۰/۰۶۲	۱۳/۴۴۵	۰/۰۰۱<



مدل ۲: ضریب رگرسیونی غیر استاندارد مدل پژوهش



مدل ۳: ضریب رگرسیونی استاندارد شده مدل پژوهش

در جدول ۶ نتایج آزمون سوبل آورده شده است که مطابق جدول فوق نتایج ذیل حاصل گردیده است.

جدول ۶: نتایج آزمون سوبل

متغیر مستقل	میانجی	وابسته	آماره تی	معنی‌داری
شناخت اجتماعی	مهارت‌های ارتباطی	پایداری خانواده	۴/۳۷	$0/001 <$
عشق	مهارت‌های ارتباطی	پایداری خانواده	۴/۲۶	$0/001 <$

با توجه به سطح معنی‌داری که کمتر از $0/05$ است، نتیجه نشان می‌دهد فرضیه هشتم تحقیق مورد پذیرش قرار می‌گیرد و در نتیجه بر اساس شناخت اجتماعی با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود. با توجه به سطح معنی‌داری که کمتر از $0/05$ است، نتیجه نشان می‌دهد فرضیه نهم تحقیق مورد پذیرش قرار می‌گیرد و در نتیجه بر اساس عشق با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود.

بحث

در این پژوهش بر آن بودیم تا مدل ساختاری پایداری خانواده را بر اساس شناخت اجتماعی و عشق با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی تبیین نماییم. به طور کلی مؤلفه‌های در نظر گرفته‌شده برای متغیرهای مستقل شامل شناخت اجتماعی (ذهن‌خوانی)، عشق (صمیمیت، شهوت و تعهد) و برای مهارت‌های ارتباطی (مهارت‌های ارتباط درونی) و متغیر وابسته پایداری خانواده نیز به سه بعد انسجام، انعطاف‌پذیری و ارتباط تقسیم شده است. در بعد انسجام پایداری خانواده به دنبال آن بودیم که میزان تعادل بین جدایی و پیوستگی و در بعد انعطاف‌پذیری میزان تعادل بین ثبات و تغییر و در بعد ارتباط مهارت گوش‌کردن، مهارت صحبت‌کردن، خودآشکارسازی، شفافیت و احترام و توجه را بسنجیم.

با توجه به یافته‌های این بررسی با افزایش میزان شناخت اجتماعی بر میزان پایداری خانواده افزوده می‌شود. بنابراین فرضیه اول تحقیق، یعنی وجود رابطه معنادار بین شناخت

اجتماعی و پایداری خانواده شهروندان شهر تهران مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه پژوهش فوق با پژوهش‌های ذیل هم‌راستا می‌باشد: عبدی و همکاران (۳۵) در پژوهشی دریافتند که توانایی رمزگشایی حالات ذهنی، بهترین میانجی عملکرد اجتماعی است و زوجینی که از توانایی پایین‌تری در درک، تشخیص و ارزیابی دیدگاه طرف مقابل بهره‌مند هستند، در مقایسه با دیگران مشکلات بین فردی بیشتری دارند. مفردنژاد و منادی (۳۶) در پژوهشی دریافتند که شناخت اجتماعی در زنان متقاضی طلاق پایین‌تر از زنان عادی می‌باشد. پورمیرزایی و همکاران (۳۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که ذهن‌خوانی از طریق سلامت روان، موجب افزایش هرچه بیشتر رضایت زناشویی می‌شود. همچنین در برخی از پژوهش‌ها شناخت اجتماعی اساس موفقیت در ارتباطات می‌باشد، مثل کریک و داج (Crick & Dodge) (۲۹) شناخت اجتماعی را اساس موفقیت در ارتباطات می‌دانند. یوکرمن (Uekermann) و همکاران (۳۲) دریافتند افرادی که نقص در شناخت اجتماعی دارند، اغلب در مبادلات اجتماعی دچار اشتباه می‌شوند و در نتیجه از نظر مهارت‌های ارتباطی، اجتماعی، شغلی و تحصیلی با مشکل مواجه می‌شوند. نیوئن (Newen) و همکاران (۳۳) شناخت اجتماعی یک توانایی کلیدی است که انسان‌ها برای موفقیت در تعاملات اجتماعی در زندگی روزمره نیازمند آن هستند. طبق نظریه دایره‌ای اولسون پایداری خانواده از سه بعد انسجام، انعطاف و ارتباط تشکیل شده است که ارتباطات، بعد تسهیل‌کننده نام دارد. ارتباطات برای تسهیل حرکت در سطح دو بعد دیگر ضروری است.

هرچه ارتباطات افراد درون خانواده بیشتر باشد، تعادل خانواده بهتر حفظ خواهد شد (۲۲). همه پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد نقص در شناخت اجتماعی موجب ایجاد مشکل در روابط افراد با یکدیگر می‌گردد، یعنی بعد اساسی و تسهیل‌کننده پایداری خانواده (ارتباط) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین از طریق تقویت شناخت اجتماعی در افراد می‌توان بر بعد ارتباط تأثیر گذاشت و در نتیجه آن شاهد تقویت بعد انسجام و انعطاف و در نهایت افزایش پایداری خانواده بود.

با توجه به یافته‌های این بررسی با افزایش میزان عشق بر میزان پایداری خانواده افزوده می‌شود. بنابراین فرضیه دوم تحقیق، یعنی وجود رابطه معنادار بین عشق و پایداری خانواده شهروندان شهر تهران مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین نتیجه پژوهش فوق با پژوهش‌های ذیل هم‌راستا می‌باشد: آسودو و آرون (Asodo & Aron) (۴۲) در پژوهشی دریافتند عشق یکی از عوامل بسیار مؤثر بر میزان رضایت زوجین، پابرجایی و استحکام بیشتر بنیاد خانواده می‌باشد. بسیاری از افراد عشق را به عنوان پایه روابط زناشویی در نظر می‌گیرند. بک (Beck) (۴۳) معتقد است عشق یک جزء مهم و مؤثر در ازدواج‌های موفق است. دیون و دیون (Dion & Dion) (۴۵) دریافتند عشق رابطه مستحکمی با رضایت زوجین دارد و یکی از عوامل مهم در دستیابی به رضایت زناشویی در روابط زناشویی، عشق است. ملکی و جدیدیان (۴۶) در پژوهشی دریافتند با افزایش سطح عشق‌ورزی و ابعاد آن در نزد زنان متأهل، میزان رضایت زناشویی آنان بیشتر می‌گردد. احمد اوغلو (Ahmetoglu) و همکاران (۴۷) در پژوهشی دریافتند که بین مؤلفه‌های عشق‌ورزی، بعد رضایت زناشویی و میل به استمرار رابطه زناشویی با بعد تعهد رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین وجود عشق بین زوجین موجب میل به استمرار و پایداری رابطه زناشویی و خانواده می‌گردد.

همچنین در این پژوهش مهارت‌های ارتباطی به عنوان متغیر میانجی با مؤلفه ارتباطات درونی مورد ارزیابی قرار گرفته است. با توجه به یافته‌های این بررسی با افزایش میزان

مهارت‌های ارتباطی بر میزان پایداری خانواده افزوده می‌شود. بنابراین فرضیه سوم تحقیق، یعنی وجود رابطه بین مهارت‌های ارتباطی و پایداری خانواده شهروندان شهر تهران مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین نتیجه این پژوهش با تحقیقات ذیل هم‌راستا می‌باشد: باقرنیا (۵۸) در پژوهشی دریافت بین خودپنداره و احساس مثبت به همسر با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. شولتز و شولتز (Schultz & Schultz) (۵۹) در پژوهشی دریافتند همبستگی مثبت بین خودپنداره و رضایت زناشویی وجود دارد. اوبرهولزر (Oberholzer) (۶۱) دریافت نقطه شروع هر نوع ارتباطی، ارتباط با خود است برای ارتباط مثبت و اثربخش با دیگران فرد باید در ابتدا قادر باشد با خود ارتباط مناسبی برقرار کند. بنابراین هرچه آگاهی ما نسبت به احساسات، تمایلات و هیجانات خودمان قوی‌تر باشد، روابط بهتری با دیگران می‌توانیم برقرار کنیم. همانطور که پیش‌تر هم گفته شد، ارتباط بعد اصلی و تسهیل‌کننده پایداری خانواده می‌باشد. بنابراین تقویت ارتباط درون‌فردی از طریق تأثیر بر بعد تسهیل‌کننده ارتباطات موجب افزایش پایداری خانواده می‌گردد.

همچنین با توجه به یافته‌های این بررسی با افزایش میزان شناخت اجتماعی بر میزان مهارت‌های ارتباطی افزوده می‌گردد. بنابراین فرضیه چهارم تحقیق، یعنی وجود رابطه بین شناخت اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی شهروندان شهر تهران مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقات ذیل هم‌راستا می‌باشد: کوتور (Couture) و همکاران (۳۰) در پژوهشی دریافتند خلأ موجود در شناخت اجتماعی موجب اختلال در بسیاری از عملکردها می‌شود که تأثیر این خلأ بسیار چشم‌گیر است، زیرا نه تنها توانایی فرد در برقراری ارتباط با دیگران، بلکه نگرش او از خویش را نیز زیر نفوذ خود قرار می‌دهد. دیمایو (Dimaggio) و همکاران (۳۱) دریافتند افرادی که نقص در شناخت اجتماعی دارند، اغلب در شناخت نیازهای خود مشکل داشته و نمی‌توانند نیازهای خود را با اهداف زندگی خویش منطبق سازند. لزلی (Leslie) و

همکاران (۳۴) در پژوهشی دریافتند شناخت اجتماعی یکی از موضوعات مهم در روابط بین فردی و درون فردی است. همچنین با توجه به یافته‌های این بررسی، بین عشق و مهارت‌های ارتباطی رابطه معنادار وجود دارد، یعنی با افزایش عشق، بر میزان مهارت‌های ارتباطی افزوده می‌شود. بنابراین فرضیه پنجم تحقیق، یعنی وجود رابطه بین عشق و مهارت‌های ارتباطی شهروندان شهر تهران مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین نتیجه این پژوهش با تحقیقات ذیل هم‌راستا می‌باشد: رمضان و نوری (۵۰) در پژوهشی دریافتند بین قصه‌های عشق افراد با خرده‌مقیاس‌های خودپنداره ارتباط مثبت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیان داشت که قصه‌های عشق افراد از طریق خودپنداره آنان قابل پیش‌بینی است. لواندوفسکی (Lewandowski) و همکاران (۵۱) در پژوهشی دریافتند رضایت و تعهد رابطه (یکی از ابعاد عشق) با خودپنداره همبستگی مثبت دارد. این نتایج نشان می‌دهد که چگونه خودپنداره یک فرد با کیفیت روابط عاشقانه ارتباط دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین عشق و مهارت‌های ارتباطی یک رابطه دوسویه است. وجود عشق در یک انسان ناشی از ارتباط درون فردی قوی، یعنی شناخت بیشتر از تمایلات و احساسات خود می‌باشد. بنابراین ما وقتی به ارزش خود به عنوان یک انسان واقف هستیم می‌توانیم دیگران را دوست داشته باشیم و برای آن‌ها ارزش قائل باشیم. از طرفی هرچه میزان عشق ما به افراد بیشتر باشد، روابط درونی آن‌ها قوی‌تر خواهد بود.

در پژوهش حاضر فرضیه ششم، یعنی بر اساس شناخت اجتماعی می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود، مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به ضریب رگرسیونی تأثیر متغیر شناخت اجتماعی بر پایداری خانواده برابر ۰/۶۱۵ می‌باشد که در مقایسه با متغیر مهارت‌های ارتباطی پیش‌بینی قوی‌تری از پایداری خانواده می‌تواند ارائه دهد. نتیجه این پژوهش با تحقیق کارنی و گوئر (Karney & Gauer) (۳۸) هم‌راستا می‌باشد. آن‌ها در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که روش‌هایی که زوجین یکدیگر را درک، تفسیر و ارزیابی می‌کنند، تأثیر معناداری بر کیفیت زناشویی آن‌ها دارد و درک

دیدگاه طرف مقابل، از پیش‌بینی‌های مهم کیفیت زناشویی است.

در پژوهش حاضر فرضیه هفتم، یعنی بر اساس عشق می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود، نیز مورد تأیید قرار گرفت و با توجه به ضریب رگرسیونی تأثیر متغیر عشق بر پایداری خانواده برابر ۰/۸۳۱ می‌باشد که در مقایسه با شناخت و مهارت‌های ارتباطی در پیش‌بینی پایداری خانواده رتبه اول را دارد. نتیجه این پژوهش با تحقیقات ذیل هم‌راستا می‌باشد: مکس (Meeks) و همکاران (۶۰) در پژوهشی دریافتند متغیرهای ارتباط با خود و شریک زندگی و جهت‌گیری‌های عشقی پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای رضایت از رابطه بودند. لمبو و هیل (Lemieux & Hale) (۴۸) سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد تئوری استرنبرگ را به عنوان پیش‌بینی‌کننده رضایتمندی در زوجین متأهل بیان کرده و جز صمیمیت را دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی رضایتمندی زوجی عنوان می‌کنند. آراین‌فر و رسولی (۴۴) در پژوهشی تحت عنوان مدل معادلات ساختاری پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سلامت خانواده اصلی و متغیر میانجی ابعاد عشق، دریافتند که اثر مستقیم سلامت خانواده اصلی و ابعاد عشق (میل، صمیمیت، تعهد) بر رضایت زناشویی معنادار بود. در مورد یافته‌های مدل نیز باید گفت که بیشترین تأثیر بر پایداری خانواده، مربوط به شناخت اجتماعی بود. این موضوع، تأثیر شناخت اجتماعی در پایداری خانواده را نشان می‌دهد. بنابراین هرچه شناخت اجتماعی (یعنی توانایی تشخیص و درک تمایلات، هیجانات و احساسات دیگران) در افراد قوی‌تر باشد، می‌توانند روابط پایدارتری را ایجاد نمایند. بنابراین دو فرضیه هشتم، یعنی بر اساس شناخت اجتماعی با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود و فرضیه نهم بر اساس عشق با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی می‌توان پایداری خانواده را پیش‌بینی نمود، نیز مورد تأیید قرار گرفتند. در نهایت شاخص‌های CFI و NFI که برازش مدل پیشنهادشده به مدل مستقل را می‌سنجد و به ترتیب در مدل برابر ۰/۹۹۹ و ۰/۹۹۵ هستند که نشان‌دهنده برازش قابل قبول مدلی باشند. RMSEA، متوسط

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

باقیمانده‌های بین همبستگی/ کوواریانس مشاهده‌شده نمونه و مدل مورد انتظار برآوردشده از جامعه است که مقدار آن برابر $0/077$ می‌باشد که مقدار کمتر از $0/08$ به معنای برازش خوب می‌باشد. GFI نیز مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌ها برابر $0/996$ می‌باشد که نشانگر برازش مطلوب است، در نتیجه از تمامی شاخص‌ها اینطور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش فوق مدل پیش‌بینی پایداری خانواده بر اساس شناخت اجتماعی و عشق با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی برازش دارد، تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش با افزایش شناخت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی (درونی) و عشق، بر میزان پایداری خانواده افزوده می‌گردد. بنابراین با در نظر گرفتن نتایج پژوهش، توجه ویژه به ماهیت و کیفیت پردازش‌های شناختی و ارتباطی در موفقیت زناشویی زوج‌های جوان حائز اهمیت است.

مشارکت نویسندگان

سیمین شمس‌الهی: نگارش مقاله، جمع‌آوری و آنالیز داده‌ها، طراحی پرسشنامه، گردآوری منابع.
محسن جدیدی: راهنمایی و نظارت بر تدوین مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

References

- Ogwo A. Adolescents-parent relationships as perceived by younger and older adolescents: Child & adolescent therapy and e-therapy. *IFE Psycholog IA: An International Journal*. 2013; 21(3): 224-249.
- Locke HJ, Williamson RC. Marital adjustment: A factor analysis study. *American Sociological Review*. 1958; 23(5): 562-569.
- Bidandi F, Roman N. Social Cohesion as an External Factor Affecting Families: An Analysis of the White Paper on Families in South Africa. *Southern African Journal of Social Work and Social Development*. 2020; 32(3): 1-17.
- de Lima Silva V, de Medeiros CA, Guerra GC, Ferreira PH, de Araújo Júnior RF, de Araújo Barbosa SJ, et al. Quality of life, integrative community therapy, family support and satisfaction with health services among elderly adults with and without symptoms of depression. *Psychiatric Quarterly*. 2017; 88(2): 359-369.
- Johnson MD, Nguyen L, Anderson JR, Liu W, Vennun A. Pathways to romantic relationship success among Chinese young adult couples: Contributions of family dysfunction, mental health problems and negative couple interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*. 2015; 32(1): 5-23.
- Markson L, Lamb ME, Lösel F. The impact of contextual family risks on prisoners' children's behavioural outcomes and the potential protective role of family functioning moderators. *European Journal of Developmental Psychology*. 2016; 13(3): 325-340.
- Roman NV, Schenck C, Ryan J, Brey F, Henderson N, Lukelelo N, et al. Relational aspects of family functioning and family satisfaction with a sample of families in the Western Cape. *Social Work*. 2016; 52(3): 303-312.
- Satir V. *The new peoplemaking*. Palo Alto, California: Science & Behavior Books; 1988.
- IRNA News Agency (2022). Out of every three marriages in 2021, one case resulted in divorce. Available at: <https://www.irna.ir>. [Persian]
- Young Journalists' Club (2019). Which provinces had the highest number of marriages and divorces in 2019. Available at: <https://www.yjc.ir>. [Persian]
- Nimtz MA. Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: A phenomenological study. Lynchburg: Liberty University; 2011.
- Kaslow F, Robison JA. Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *American Journal of Family Therapy*. 1996; 24(2): 153-170.
- Hopkins-Williams KD. "Yes they're out there": A qualitative study on strong African American marriages. Baton Rouge: Louisiana State University and Agricultural & Mechanical College; 2007.
- al-Sa'dāwī N, 'Izzat HR. Women, religion and morals. Damascus: Dar al-Fikr; 2008. [Arabic]
- Michalitsianos N. Resiliency: A resource for promoting marriage satisfaction. Doctoral Dissertation. Union, New Jersey: Kean University; 2014.
- Yanagisako SJ. Family and household: the analysis of domestic groups. *Annual Review of Anthropology*. 1979; 8(1): 161-205.
- Kaslow NJ, Celano M, Dreelin ED. A cultural perspective on family theory and therapy. *Psychiatric Clinics of North America*. 1995; 18(3): 621-633.
- Walsh F. *Normal family processes*. New York: Guilford Press; 1982.
- Baldrige S. Family stability and childhood behavioral outcomes: A critical review of the literature. *Journal of Family Strengths*. 2011; 11(1): 1-24.
- Olson DH, DeFrain JD, Olson AK. *Building relationships: Developing skills for life*. Saint Paul: Life Innovations Inc; 1998.
- Olson DH, DeFrain JD. *Marriages and families: Intimacy, strengths and diversity*. New York, NY: McGraw-Hill; 2003.
- Olson DH. Clinical assessment and treatment interventions using the family circumplex model. Edited by Kaslow FW. *Handbook of relational diagnosis and dysfunctional family patterns*. Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons; 1996.
- Olson DH. Circumplex model of marital and family systems: Assessing family functioning. Edited by Walsh F. 2nd ed. New York, NY: The Guilford Press; 1993.
- Olson DH. Circumplex model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy*. 2000; 22(2): 144-167.
- Baron-Cohen S. Autism: the empathizing-systemizing (E-S) theory. *Annals of the New York Academy of Sciences*. 2009; 1156(1): 68-80.
- Baron-Cohen S, Jolliffe T, Mortimore C, Robertson M. Another advanced test of theory of mind: Evidence from very high functioning adults with autism or Asperger syndrome. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*. 1997; 38(7): 813-822.

27. Baron-Cohen S. Theory of mind and autism: A review. *International Review of Research in Mental Retardation*. 2000; 23: 169-184.
28. Razza RA, Blair C. Associations among false-belief understanding, executive function and social competence: A longitudinal analysis. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 2009; 30(3): 332-343.
29. Crick NR, Dodge KA. A review and reformulation of social information-processing mechanisms in children's social adjustment. *Psychological Bulletin*. 1994; 115(1): 74-101.
30. Couture SM, Granholm EL, Fish SC. A path model investigation of neurocognition, theory of mind, social competence, negative symptoms and real-world functioning in schizophrenia. *Schizophrenia Research*. 2011; 125(2-3): 152-160.
31. Dimaggio G, Lysaker PH, Carcione A, Nicolò G, Semerari A. Know yourself and you shall know the other... to a certain extent: multiple paths of influence of self-reflection on mindreading. *Consciousness and Cognition*. 2008; 17(3): 778-789.
32. Uekermann J, Kraemer M, Abdel-Hamid M, Schimmelmann BG, Hebebrand J, Daum I, et al. Social cognition in attention-deficit hyperactivity disorder (ADHD). *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*. 2010; 34(5): 734-743.
33. Newen A, Vogeley K, Zinck A. Social cognition, emotion and self-consciousness: A preface. *Conscious Cogn*. 2008; 17(2): 409-410.
34. Leslie AM, Friedman O, German TP. Core mechanisms in 'theory of mind'. *Trends in Cognitive Sciences*. 2004; 8(12): 528-533.
35. Abdi M, Nejati V, Zabihzadeh A, Mohseni M, Mohammadi R. Comparison of empathy and mind reading abilities in couples seeking divorce and normal group. *Journal of Thought & Behavior in Clinical Psychology*. 2013; 7(25): 67-76. [Persian]
36. Mofradnejad N, Monadi M. The comparison of social cognition and fear of negative evaluation in divorce seeking women and normal women. *Women's Studies Sociological and Psychological*. 2018; 16(1): 69-86. [Persian]
37. Pourmirzaei M, Bagheri M, Faziletpour M. The Relationship between Mind Reading and Marital Satisfaction with Mediating Role of General Health. *Journal of Research in Behavioral Sciences*. 2017; 15(3): 299-305. [Persian]
38. Karney BR, Gauer B. Cognitive complexity and marital interaction in newlyweds. *Personal Relationships*. 2010; 17(2): 181-200.
39. Duffy SM, Rusbult CE. Satisfaction and commitment in homosexual and heterosexual relationships. *Journal of Homosexuality*. 1986; 12(2): 1-23.
40. Sprecher S. "I love you more today than yesterday": Romantic partners' perceptions of changes in love and related affect over time. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1999; 76(1): 46-53.
41. Gao G. Intimacy, passion and commitment in Chinese and US American romantic relationships. *International Journal of Intercultural Relations*. 2001; 25(3): 329-342.
42. Asodo K, Aron FE. Marital satisfaction. *J Psychol Soc*. 2009; 67: 15-28.
43. Naderi F, Heidarei AR, Hosseinzadeh Maleki Z. The relationship between knowledge and sexual attitude, components of love and marital satisfaction with spousal abuse in married employees of government offices in Ahvaz. *Women and Culture*. 2009; 1(1): 28-45. [Persian]
44. Arianfar N, Rasouli R. Structural Equation Modeling of the Predicting Marital Satisfaction on The Health of The Main Family and The Mediatory Variable of Lovemaking Styles. *Journal of Woman and Family Studies*. 2019; 7(1): 139-157. [Persian]
45. Dion KK, Dion KL. Psychological individualism and romantic love. *Journal of Social Behavior and Personality*. 1991; 6(1): 17-33.
46. Maleki B, Jadidian A. The relationship between marital satisfaction of married women and elements of love making styles. *Applied Studies in Social Sciences and Sociology*. 2020; 11(3): 15-26. [Persian]
47. Ahmetoglu G, Swami V, Chamorro-Premuzic T. The relationship between dimensions of love, personality and relationship length. *Archives of Sexual Behavior*. 2010; 39(5): 1181-1190.
48. Lemieux R, Hale JL. Cross-sectional analysis of intimacy, passion and commitment: Testing the assumptions of the triangular theory of love. *Psychological Reports*. 2002; 90(3): 1009-1014.
49. Robinson MD, Persich MR, Sjoblom-Schmidt S, Penzel IB. Love stories: how language use patterns vary by relationship quality. *Discourse Processes*. 2020; 57(1): 81-98.

50. Nouri N, Ramezan N. Prediction of Love story based on defense mechanisms and self-concept. *Journal of Family Research*. 2019; 14(3): 345-361. [Persian]
51. Lewandowski Jr GW, Nardone N, Raines AJ. The role of self-concept clarity in relationship quality. *Self and Identity*. 2010; 9(4): 416-433.
52. Berko R, Wolvin A, Wolvin DR, Ryan C. Communicating: A social and career focus. *Handbook of instructional options with test items*. New York, NY: Routledge; 1995.
53. Sajjadipour FS. The effectiveness of communication skills training based on the World health organization program on the level of adaptation of female high school students in day-to-day welfare centers in Tehran province. Thesis. Tehran: Allameh Tabatabaei University; 2007. [Persian]
54. Berko R, Aitken JE, Wolvin A. ICOMM: Interpersonal concepts and competencies: Foundations of interpersonal communication. Lanham, Maryland: Rowman & Littlefield Publishers; 2010.
55. Vohs KD, Finkel EJ. Self and relationships: Connecting intrapersonal and interpersonal processes. New York, NY: Guilford Press; 2006.
56. Honeycutt JM, Pence ME, Gearhart CC. Using imagined interactions to predict covert narcissism. *Communication Reports*. 2013; 26(1): 26-38.
57. Damghanian H, Yazdaniziarat M. Explaining the Model of Intrapersonal Communication Competence Encouraging Positive and Effective Relationship in Organizations from the perspective of the Academic Experts. *Positive Psychology Research*. 2017; 2(4): 19-38. [Persian]
58. Bagherinia H. The relationship between self-concept and positive feeling to spouse with marital satisfaction among married women in Education Department of Bojnord city. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2017; 19(Special Issue May and June): 367-373. [Persian]
59. Schultz NC, Schultz CL. Self-concept, marital satisfaction and family well-being. *Australian Journal of Sex, Marriage and Family*. 1989; 10(2): 87-92.
60. Meeks BS, Hendrick SS, Hendrick C. Communication, love and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*. 1998; 15(6): 755-773.
61. Oberholzer C. The role of Neuro Linguistic Programming in improving organisational leadership through intrapersonal communication development. Doctoral Dissertation. Hatfield: University of Pretoria; 2014.
62. Mirzaie KH. Research, Researching and Writing. Tehran: Sociologists Publications; 2009. [Persian]
63. Waltz CF, Bausell BR. Nursing research: Design statistics and computer analysis. Philadelphia: F.A. Davis Company; 1981.
64. Munro BH. Statistical methods for health care research. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2005.
65. Cook DA, Beckman TJ. Current concepts in validity and reliability for psychometric instruments: Theory and application. *The American Journal of Medicine*. 2006; 119(2): 166-e7-16.
66. Lawshe CH. A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*. 1975; 28(4): 563-575.
67. Lemie R, Hale JL. Cross-sectional analysis of intimacy, passion and commitment, the assumption of the triangular theory of love. *Psychol Rep*. 2002; 90(3): 109-114.
68. Engel G, Olson KR, Patrick C. The personality of love: Fundamental motives and traits related to components of love. *Personality and Individual Differences*. 2002; 32(5): 839-853.
69. Mashak R. Relationship of love components with marital satisfaction in Ahwaz Islamic Azad University married students. *Journal of Woman and Culture. Journal of Woman Cultural Psychology*. 2010; 1(2): 83-97. [Persian]